

# Human Requirements of Islamic-Iranian Model of Progress

Ali Heidary

PhD in Management - Vice Chairman of the Board of the Social Security Organization,  
Tehran, Iran ali.heidary47@gmail.com

## Abstract

The basic Islamic-Iranian model of progress had been announced as a depiction of the most important principles and ideals of progress and the desired horizon of the country in the next half-century, and now this upstream document was completed, upgraded and communicated in the process of conflicting opinions as needed. Since in contemporary Iran, there were experiences of compiling and implementing upstream documents such as the constitution, the eight-article decree of Imam Khomeini, the five years development plans, the country general policies and the 20-year vision document, which were more or less relative successes; The aim of this study was pathology of The significant gap between the actual and potential capacities of Islamic-Iranian civilization achievements, And the question was answered what is the role of human factor as one of the main causes and factors of non-fulfillment of the above documents and what are the requirements related to The human factor in the realization of Islamic-Iranian model of progress. This is an applied research in terms of purpose and its research method was documentary study. Based on research findings, To ensure the realization of the Islamic-Iranian model of progress, we must pay attention to the people (Progress Divisions) to create the ground for participation and cooperation with reform and development interventions. Accordingly, it was suggested that a multi-layered welfare and social security system was established to create peace of mind and reassurance for the future.

**Keywords:** Islamic-Iranian Model of Progress, Human Requirements, Multi-layered social security system, Social Takaful

# بایستگی‌های انسانی اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت<sup>۱</sup>

علی حیدری

دکترای مدیریت، نایب رئیس هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی، تهران، ایران  
ali.heidary47@gmail.com

## چکیده

الگوی پایه اسلامی - ایرانی پیشرفت به عنوان ترسیم‌گر اهم مبانی و آرمان‌های پیشرفت و افق مطلوب کشور در نیم‌قرن آتی، ابلاغ شده است و هم‌اکنون این سند بالادستی در فرایند تضارب آرا و تعاطی افکار قرار گرفته است تا عندالاقضاء تکمیل شده و ارتقا یافته و ابلاغ شود. از آنجاکه در ایران معاصر تجارب تدوین و اجرای احکام و اسناد بالادستی نظیر قانون اساسی، فرمان هشت ماده‌ای امام (ره)، برنامه‌های توسعه پنج‌گانه، سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز بیست‌ساله وجود دارد که کمابیش توفیقات نسبی در تحقق آن‌ها وجود داشته است؛ هدف این پژوهش آسیب‌شناسی و کالبدشکافی فاصله معناداری است که بین ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه تمدن اسلامی - ایرانی و دست‌یافته‌های آن‌ها تا مطلوبات و حتی مقدرات، مشاهده و به این سؤال پاسخ داده می‌شود که نقش «عامل انسانی» به عنوان یکی از علل و عوامل اصلی عدم تحقق کامل احکام و اسناد بالادستی موصوف چیست و الزامات و اقتضائات مربوط به عامل انسانی در مسیر تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، کدام‌اند. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و روش تحقیق آن مطالعه اسنادی است. براساس یافته‌های تحقیق؛ برای حصول اطمینان از تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بایستی به مردم (لشکریان پیشرفت) برای ایجاد زمینه مشارکت و همراهی با مداخلات اصلاحی و توسعه‌ای توجه کرد و بر این اساس پیشنهاد می‌شود برای ایجاد آرامش خاطر و اطمینان‌بخشی آنان نسبت به آینده، یک نظام رفاه و تأمین اجتماعی چندلایه را سامان داد.

**واژه‌های کلیدی:** الگو، اسلامی - ایرانی، پیشرفت، بایستگی‌های انسانی، تأمین اجتماعی چندلایه، تکافل اجتماعی

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۴/۱۲ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۷/۱۱ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۸/۲۲

فصلنامه راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۱۰۰، پاییز ۱۴۰۰، صص ۵۵۳-۵۸۶

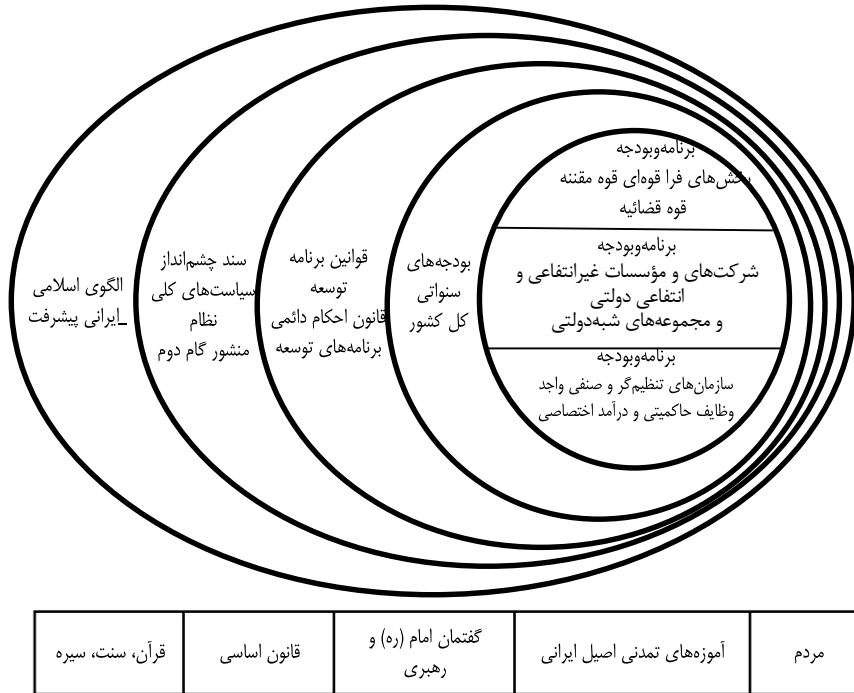
## مقدمه

دهمین کنفرانس الگوی اسلامی \_ ایرانی پیشرفت بر تبیین الگو و بایسته‌های اجرایی آن متمرکز شده است و یکی از محورهای آن «بایسته‌های اجرای هریک از تدابیر یا مجموعه‌ای از تدابیر هم‌سو» است. همان‌طور که در مبانی انسان‌شناختی الگو آمده است «هدف از آفرینش انسان رسیدن به قرب و خلافت الهی است و انسان دارای کرامت است و قلمروی طبیعی او خاستگاه نیازهای مادی است». «انسان موجودی است اجتماعی و برآوردن نیازها و شکوفایی استعدادهايش در گروهی مشارکت جمعی است» و مقوله عدالت بالاخص مفاهیم عدالت اجتماعی نیز در بخش‌های مختلف متن الگو حضوری متواتر و پربسامد دارد. همچنین در بخش افق به «ریشه‌کنی فقر و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر» اشاره شده است و در بند ۲۳ تدابیر به‌طور مفصل به مقوله تأمین اجتماعی پرداخته شده است.

بر این اساس اهمیت و ضرورت تحقیق به لحاظ ایجابی نشان می‌دهد که نیل به تأمین اجتماعی نه به‌عنوان هدف غایی بلکه به‌عنوان بستر و زمینه توانمندسازی و کرامت‌بخشی و تعالی انسان‌ها که می‌تواند یکی از نتایج تحقق الگوی اسلامی \_ ایرانی پیشرفت باشد، موردبررسی و مذاقه قرار می‌گیرد. بر همین اساس نه‌تنها بایستی به آن به‌عنوان یکی از تدابیر مهم برای طی مسیر تحقق پیشرفت کشور توجه کرد؛ بلکه آن را می‌توان یکی از بایسته‌های اجرایی مجموعه تدابیر و به‌طورکلی الگوی پیشرفت دانست؛ اما به لحاظ سلبی در صورت عدم‌برخورداری مردم به‌طوابعم و کارکنان و کارگران به‌طوابعم از سطح مطلوب و متناسب

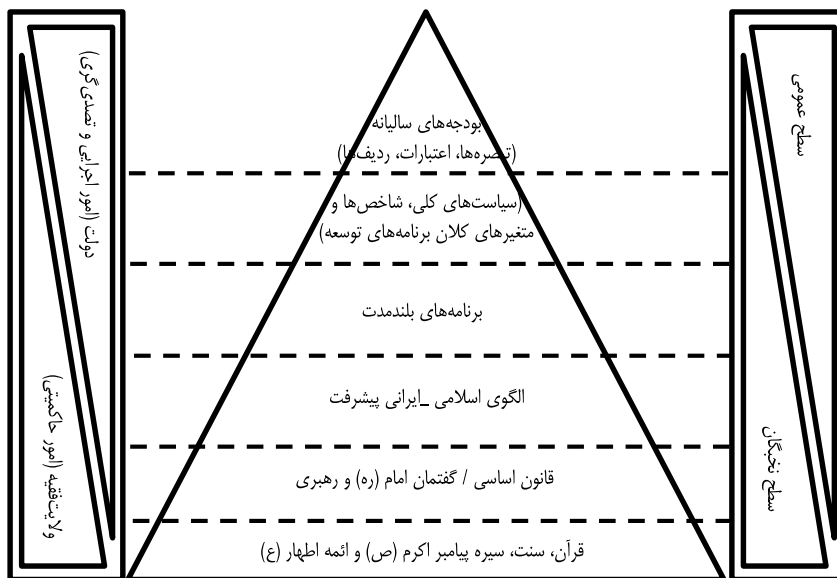
تأمین اجتماعی، اجرای طرح‌ها و برنامه‌های لازم برای تحقق الگو با مشکلات زیادی همراه خواهد بود. به عبارت دیگر، از یک طرف برخورداری از پوشش‌های تأمین اجتماعی به عنوان یکی از معیارهای توسعه انسانی و نشانگرهای پیشرفت جوامع محسوب می‌شود فلذا می‌تواند به عنوان هدفی که به انسان‌ها در مسیر تحقق به قرب الهی کمک می‌کند؛ یکی از اهداف الگو تلقی شود. از سوی دیگر نقش مقوله تأمین اجتماعی به عنوان یکی از «بایسته‌های اجرایی» باید در این الگو تبیین شود.

در خصوص بیان مسئله باید اشاره کرد که پس از هفت سال متن الگوی پایه اسلامی\_ایرانی پیشرفت در افق پنج ساله منتشر و طی فراخوان انجام شده، مقرر است متعاقباً این الگو عندالاقضاء تکمیل و نهایی شده و تصویب و ابلاغ شود. این الگو قرار است به عنوان یک سند بالادستی و برنامه بلندمدت (حدود ۴۰ ساله تا سال ۱۴۴۰ یا ۵۰ ساله تا سال ۱۴۵۰) مطرح نظر کلیه اجزا و عناصر نظام قرار گرفته و کلیه حرکات و سکنات قوای سه‌گانه، مجموعه‌های حاکمیتی، بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی و غیره باید در مسیر تحقق آن حرکت کنند. پرواضح است که می‌بایستی نسبت به سازگارسازی برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت (برنامه‌ها و توسعه پنج‌ساله و بودجه‌های سنواتی) با این الگو اقدام شود و مطابق شکل یک این الگو باید محیط بر آن‌ها باشد.



شکل ۱. رابطه احکام و اسناد پائین‌دستی و بالادستی نظام منبج: (حیدری، ۱۴۰۰)

این الگو همچنین مطابق شکل دو بایستی منظومه‌ای از امور حاکمیتی (ذیل مستقیم ولایت فقیه نظیر قوه قضائیه، صدا و سیما، نیروهای مسلح و ...) و امور دولتی (ذیل قوه مجریه و شامل امور اجرایی و تصدی‌گری) و امور تقنینی (مجلس و ...) را از یک‌سو و منظومه یا شبکه‌ای از ارتباطات، تعاملات و تبادلات بین بخش‌های حاکمیتی و دولتی را با قاطبه مردم و نیز بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی و ... را از سوی دیگر به سامان کند و در یک سلسله‌مراتب از هرم سیاست‌گذاری برای هر یک از اجزا و عناصر جایگاه؛ نقش و مأموریت خاص خود را تعریف کند.



شکل ۲. هرم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان و بلندمدت نظام منبع: (حیدری، ۱۴۰۰)

اما بدیهی است مطابق شکل سه برای تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، هم بایستی به سطح نخبگانی امور توجه شود که شامل مردم و اقشار و گروه‌های هدف و تشکلهای مربوطه در بخش‌های خصوصی، دولتی و عمومی غیردولتی خواهد بود و هم به سطح عمومی که شامل آحاد مردم است که از آن تحت‌عنوان لشکریان پیشرفت یاد شده است که بایستی به‌عنوان متولیان امر تحقق الگو، ایفای نقش کنند.

بنابراین همان‌طور که اشاره شد، نقش مقوله تأمین اجتماعی که یکی از تدابیر مهم در متن الگو (بند ۲۳) است؛ نیازمند تبیین به‌عنوان یکی از «بایسته‌های اجرایی» تحقق این الگو از منظر عامل انسانی است. از این‌رو هدف این پژوهش، آسیب‌شناسی و کالبدشکافی فاصله معناداری است که بین ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه تمدن اسلامی-ایرانی و دست‌یافته‌های آن‌ها تا مطلوبات و حتی مقدرات، مشاهده و به این سؤال پاسخ داده می‌شود که نقش «عامل انسانی» به‌عنوان یکی از علل و عوامل اصلی عدم تحقق کامل احکام و اسناد بالادستی موصوف چیست و

الزامات و اقتضائات مربوط به عامل انسانی در مسیر تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، کدام‌اند.



شکل ۳. جایگاه «لشکریان پیشرفت» در فرایند تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت منبع: (حیدری، ۱۴۰۰)

### ۱. پیشینه تحقیق

در مفهوم‌شناسی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت مفهوم «عدالت اجتماعی» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این الگوی مطلوب، جامعه به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و هدایت می‌شود که با تسلط بر فناوری، دانش مدرن و استفاده بهینه از منابع مادی در دسترس، توان تأمین نیازهای اساسی و رفاه عمومی جامعه را داشته و زمینه مناسب را برای تحقق عدالت اجتماعی و نیل به کمالات انسانی در جامعه مهیا کند. این امر تا آنجا اهمیت دارد که در قانون اساسی، عدالت اجتماعی بر رشد اقتصادی تقدم دارد. این تقدم و اهمیت در متن سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق

۱۴۰۴ نیز مشاهده می‌شود (خوش چهره & حبیبی، ۱۳۹۱، ص. ۲۲۵).

علامه صدر در کتاب اقتصادنا در تبیین عدالت اجتماعی آن را برابری و مساوات حقیقی و براساس توازن درونی جامعه معرفی می‌کند که بر دو بعد اساسی عدالت الهی و عدالت فطری بنا شده است. منظور از برابری حقیقی، برابری براساس لیاقت و شایستگی در افراد و نیز در جامعه سیاسی است. از منظر علامه صدر دو رکن اساسی عدالت اجتماعی، تأمین اجتماعی و توازن اجتماعی است. توازن اجتماعی به معنی برابری و تعادل در همه ابعاد زندگانی اجتماعی برای همه افراد جامعه است. از این رو معتقد است دولت برای پیشرفت علوم و فنون باید در وضعیت معیشت افراد جامعه نه تنها ابعاد مادی، بلکه ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی توازن و تعادل ایجاد کند. وی حوزه تأمین اجتماعی را به دو بخش تقسیم می‌کند: یکی ناظر به وظیفه انسان‌ها در قبال یکدیگر و دیگری ناظر به وظیفه دولت در قبال مردم است. علامه صدر اعتقاد دارد در حوزه تأمین اجتماعی دولت مکلف به تأمین کامل و سایل زندگی عموم افراد است و این وظیفه را نخست از طریق تأسیس واحدهای اقتصادی برای مشارکت مردم در فعالیتهای اقتصادی، کار و تلاش برای اداره زندگی و در مرتبه دوم چنانچه نتواند امکان کار را برای افراد فراهم کند، خود باید نیازهای فرد را تأمین کند. از منظر ایشان مبدأ و منشأ ضمان اجتماعی دو اصل کفالت همگانی (تکافل) و همچنین اصل ضمان دولت برای ادای حق جامعه نسبت به منابع ثروت است. درون‌مایه تکافل اجتماعی تعاون و اتحاد و اشتراک یا توزیع خطر بین افراد یک گروه یا جامعه که از منظر حاکم اسلامی به کفالت افراد نیازمند تعبیر می‌شود، است. (حیدری & منوچهری راد، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۳-۱۱۵). تکافل را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. تکافل به معنای عمومی آن که معادل ضمانت و خدمات اجتماعی است و در آن همه افراد جامعه درکنار حاکمیت درقبال هم مسئول‌اند؛ ۲. تکافل به معنای خاص آن که معادل تأمین اجتماعی به معنای امروزی آن است (حاجی حسینی، ۱۳۸۱، ص. ۲۱۲).

برای مطالعه جایگاه مقوله تأمین اجتماعی در وظایف حاکمیت و دولت اسلامی باید به این موضوع توجه کرد که مقوله تأمین اجتماعی در آموزه‌های تمدن



اسلامی- ایرانی ریشه دارد، پیامبر اکرم (ص) در ابتدای حکومت خویش و به محض استقرار در مدینه در کنار بنای مسجد، عمارت «صفه» را بنا نهادند و در عمارت مزبور از محل بیت‌المال و کمک‌های مردم سه نیاز اساسی افراد یعنی غذا، پوشاک و سرپناه موقت تأمین می‌شد. حضرت علی (ع) نیز در وصف حکومت خود در کوفه اعلام داشت که هیچ‌کسی در کوفه نیست که درخلال خلافت من، به این سه نیاز اساسی دسترسی نداشته باشد (ربیعی & حیدری، ۱۳۹۶، ص. ۲۳).

در تمدن ایرانی- اسلامی نیز اماره‌هایی شبیه بیمه‌های اجتماعی و توزیع ریسک وجود داشته است و شواهد و قرائن باستان‌شناسی بر رواج گونه‌هایی از تعاون، همبازی و توزیع ریسک بین هخامنشیان و ارائه پوشش‌های شبه بیمه اجتماعی برای کارگران صحه می‌گذارند که برخی از این رویکردها تا همین اواخر و در تاریخ معاصر نیز وجود داشته است (حیدری & منوچهری راد، ۱۳۹۶، ص. ۲۴).

به هر تقدیر مقوله «تأمین اجتماعی» با ساحت مدرن و نوین خود در ایران یک پدیده اقتباسی از غرب است که هم به لحاظ شرعی و هم به لحاظ قانونی طی یک سده اخیر پذیرفته شده و دوام و قوام یافته است و براساس نظریات امام (ره)، موسی صدر و شهید مطهری پس از انقلاب در قانون اساسی لحاظ شده است و مقام معظم رهبری نیز در بیانات خود به آن پرداخته‌اند و رفاه و تأمین اجتماعی در گفتمان ولایت‌فقیه، از جایگاه متناسبی برخوردار است (قاضی پور، ۱۳۹۶، ص. ۳۰۵).

شایان ذکر است اکثر نظام‌های گسترده و پیچیده تأمین اجتماعی در دنیا در چارچوب طرح‌های بیمه‌ای و حمایتی، گسترش و جامعیت یافته‌اند. بحران‌های چند دهه اخیر صندوق‌های تأمین اجتماعی در دنیا آن‌ها را وادار به استفاده از نظام‌هایی کرد که انعطاف‌پذیری بیشتر داشته و هر کشور بتواند متناسب با ساختار اقتصادی- اجتماعی خود ترکیب مناسبی از راهبردهای تأمین اجتماعی را در لایه‌های مختلف، به‌منظور پوشش کلیه آحاد جامعه به‌کار گیرد که از آن تحت‌عنوان نظام تأمین اجتماعی چندلایه یاد می‌شود. برای مثال، می‌توان به مدل سازمان بین‌المللی کار اشاره کرد که در آن یک نظام چهارلایه، در پایه‌ای‌ترین لایه نسبت به استقرار نوعی تور ایمنی اجتماعی در قالب یک طرح ضد فقر که مزایای آن از

طریق دولت تدارک دیده می‌شود و حداقل درآمد را برای نیازمندان تأمین می‌کند، و تأمین مالی آن از محل مالیات‌های عمومی است. در لایه دوم نوعی طرح مستمری دولتی بدون اندوخته و مبتنی بر مزایای معین استقرار می‌یابد. در لایه سوم طرح‌های مستمری انفرادی دارای اندوخته با مشارکت دولت و بخش خصوصی و در نهایت لایه چهار به‌عنوان یک لایه تکمیلی و اختیاری از طریق مؤسسات خصوصی تدارک دیده می‌شود (اخوان بهبهانی، ۱۳۹۶، ص. ۹۶-۱۰۰).

به‌عبارتی دیگر این نظام مبتنی بر لایه‌بندی (امدادی، حمایتی و بیمه‌ای) و سطح‌بندی پوشش‌های بیمه‌ای (پایه، مازاد و مکمل) است. در سازوکار چندلایه که بر مبنای آن می‌توان با توجه به ویژگی‌ها، الزامات و شرایط خاص حاکم بر هر لایه: { امداد (شامل امداد اجتماعی و امداد حوادث)، حمایت (شامل خدمات اجتماعی، مساعدت اجتماعی و توانمندسازی) و بیمه (شامل بیمه‌های اجتماعی، درمانی، بازنشستگی و...) نسبت به تدوین و تنظیم سیاست‌های اجرایی و قواعد خاص حاکم بر هر یک از این لایه‌ها، میزان برخورداری از کمک‌های دولتی هر لایه و جایابی جمعیت جامعه هدف در این لایه‌ها و در قالب نظام تأمین اجتماعی چندلایه پرداخت.

مقام معظم رهبری نیز در خصوص اهمیت نظام تأمین اجتماعی در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی فرمودند: «نظام جمهوری اسلامی، نظامی است که اساساً با تأمین اجتماعی به این صورتی که امروز در دنیا رایج است، موافق است؛ در شمار نظام‌هایی نیست که به شکل فلسفی و زیربنایی، با کارهای تأمینی در جامعه مخالفند. ما معتقدیم که مسئولان کشور و دولت جمهوری اسلامی باید به شکل ویژه‌ای، طبقاتی را که نیازمند کمک هستند، مشمول کمک‌رسانی کنند که این، در سازمان تأمین اجتماعی، به‌صورت بیمه‌های اجتماعی و کارهای تأمینی گوناگون انجام می‌گیرد؛ بنابراین، این کار با اساس و فلسفه نظام اسلامی منطبق است و هرچه تلاش شود، ابتکار عمل به خرج داده شود، پوشش به شکل صحیحی گسترش یابد و نوع کمک‌رسانی‌ها طوری باشد که خانواده‌ها را به تلاش متناسب وادار کند و در جامعه رکود به وجود نیارد، بلکه حرکت ایجاد نماید، این

با اهداف نظام جمهوری اسلامی منطبق‌تر خواهد بود. دولت هم باید ان‌شاءالله کمک کند تا قشرهایی که در پوشش تأمین اجتماعی هستند مثل بازنشستگان، هرکدام به نحوی مورد اعتنا و توجه ویژه قرار گیرند. بازنشستگان، نیروی فعال کشور در اندکی پیش از این هستند که تلاش کرده‌اند، زحمت کشیده‌اند، بسیاری از آن‌ها شب و روز و عمر و جوانی خود را صرف کار کرده‌اند و باید کشور به این تلاش و به این زحمت‌کشی مستمر دوران عمر پاسخ گوید» (بیانات مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای<sup>(مدظله‌العالی)</sup> در دیدار با جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی در مورخه ۱۳۷۶/۴/۲۵).

## ۲. روش تحقیق

روش انجام این پژوهش، مطالعه اسنادی است و منابع مورد استفاده در آن عبارتند از قوانین و اسناد بالادستی، کتب و گزارش‌های مراکز پژوهشی تخصصی داخلی و بین‌المللی. احمد<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) معتقد است روش پژوهش اسنادی به‌عنوان یک روش کامل و فنی برای تقویت سایر روش‌های کیفی در پژوهش‌های علوم اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است. در این روش، محقق داده‌های مورد نیاز خود درباره کنشگران، وقایع و پدیده‌های اجتماعی را از بین منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند. بیلی<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) نیز روش اسنادی را روشی برای تحلیل آن دسته از اسناد معرفی می‌کند که شامل اطلاعات درباره پدیده‌هایی است که قصد مطالعه آن‌ها را داریم (صادقی‌فسایی & عرفان‌منش، ۱۳۹۴، ص. ۶۵-۶۳).

بستر معرفت‌شناسی و تکنیکی در روش اسنادی بیشتر به پارادایم تفسیری نزدیک است. در روش پژوهش اسنادی، سند متن (نوشته) حاوی داده‌ها یا اطلاعاتی درباره یک موضوع یا یک پدیده است.<sup>۳</sup> علت انتخاب این روش

<sup>۱</sup> Ahmed, J.U. (2010). Documentary research method: New dimensions. *Indus Journal of Management & Social Sciences* 4 (1): 1-14.

<sup>۲</sup> Bailey, K. (2008). *Methods of social research*. New York: Simon and Schuster.

<sup>۳</sup> استفاده از عبارت **روش کتابخانه‌ای** به‌جای **روش اسنادی**، فروکاست جایگاه است؛ زیرا در روش اسنادی می‌توان از اسناد غیرکتابخانه‌ای نیز بهره برد. از سویی دیگر، فنون متعددی در روش اسنادی را می‌توان به‌کار گرفت که بسیار روشمندتر از خواندن محض چند متن قابل‌دسترس در کتابخانه است

ویژگی‌ها و کاربردهای آن است. احمد (۲۰۱۰) مراحل اجرای روش اسنادی شامل شش مرحله زیر است: ۱. انتخاب موضوع، تعیین اهداف و سؤالات؛ ۲. بررسی‌های اکتشافی و مطالعه پیشینه پژوهش: برای گسستن از قضاوت‌های شخصی یا پیش‌فرض‌های نظری و آماده‌شدن برای دریافتن دیدگاه‌های متعدد، پیشینه پژوهش‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. ۳. انتخاب رویکرد نظری: روش اسنادی فارغ از سنت فکری و نظری پژوهش نیست. اساساً مطالعه منابع نیازمند وحدت پارادایمی است و اتصال فکری پژوهشگر به رهیافت نظری معین، باعث جهت‌دادن به مسیر مطالعه و انجام پژوهش می‌شود. ۴. جمع‌آوری منابع، نمونه‌گیری و فنون بررسی منابع: در این پژوهش براساس اهداف و جهت‌گیری مطالعه، دسته‌بندی منابع است. برای گزینش منابع از چهار معیار اسکات (۲۰۱۴) شامل اصالت، اعتبار، نمایا و معنادار بودن استفاده می‌شود. ۵. انتخاب فنون بازخوانی متون و مطالعه منابع: به این منظور از فنونی همچون الف- تعیین واژگان کلیدی؛ ب- استفاده از فهرست مطالب و فهرست اعلام؛ ج- فیش‌برداری؛ د- مرور نظام‌مند؛ ه- طبقه‌بندی و تشکیل جداول مفهومی؛ و- فنون تقلیل داده‌ها؛ ز- تفسیر نظری استفاده شد. واژگان کلیدی مورداستفاده در این پژوهش: الگوی اسلامی- ایرانی پی‌شرفت، بایستگی‌های انسانی، لشکریان پی‌شرفت، نظام رفاه و تأمین اجتماعی چندلایه، تکافل اجتماعی بوده است. ۶. پردازش، نگارش و گزارش پژوهش: پس از پردازش تحلیل‌ها و ارزیابی مجدد آن‌ها و رعایت ادبیات پارادایمی؛ ابعاد مستخرج نگارش شده و جمع‌بندی و نقطه‌نظرات و راهبردهایی پیشنهاد می‌شود (صادقی‌فسایی & عرفان‌منش، ۱۳۹۴، ص. ۷۱-۸۳).

در روش اسنادی، معمولاً نمونه‌گیری به دو روش انجام می‌گیرد: الف- اکثر نمونه‌گیری‌ها به روش «تعمدی» و «نظری» انجام می‌شوند؛ یعنی باتوجه به محورها و اهداف پژوهش و با عنایت به رویکرد نظری خاص، محقق منابع را انتخاب می‌کند. ب- در صورتی که در مرحله بررسی‌های اکتشافی منابع محدودی شناسایی

شده باشند، روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده می‌شود، به این طریق که با استفاده از فهرست منابع پژوهش‌های مشابه، محقق به سمت منابع بیشتر هدایت می‌شود (فلیک، ۱۳۹۲/۱۹۵۶، ص. ۲۷۹)؛ که در این پژوهش از روش نخست استفاده شد. به‌منظور تقویت اعتبار در روش اسنادی، از راهبرد سه سویه سازی<sup>۱</sup> استفاده شده است که در آن اعتبار در گروهی استفاده از منابع معتبر (به‌ویژه دست‌اول)، ایجاد تنوع در منابع، بررسی منابع متعدد، کیفیت خواندن و انجام پژوهش، مشورت با متخصصان و رعایت موازین اخلاقی است (صادقی‌فسایی & عرفان‌منش، ۱۳۹۴، ص. ۸۵).

### ۳. یافته‌های تحقیق

#### ۳-۱. مروری بر مراحل مختلف تحلیل یافته‌های تحقیق

باتوجه به مراحل شش‌گانه یادشده انجام مطالعات اسنادی، پس از تعیین هدف پژوهش و سؤال اصلی آن در گام اول و همچنین انجام مطالعات اکتشافی درخصوص پیشینه پژوهش در گام دوم، به‌منظور فراهم‌آوردن وحدتی پارادایمی و اتصال فکری پژوهشگر به یک رهیافت نظری معین و جهت‌بخشی به مسیر مطالعه در گام سوم از مدل «نظام تأمین اجتماعی چندلایه» استفاده شده است؛ چراکه اهمیت لایه‌های پایه‌ای این نظام برای فقرا بسیار زیاد و در لایه‌های بالاتر نیز برای بخش‌های رسمی و غیررسمی کشور دارای اهمیت فراوان است. در گام چهارم نسبت به نمونه‌گیری با شیوه نظری از اسناد مختلف با چهار معیار اسکات (۲۰۱۴) اقدام شد. سپس در گام پنجم با مروری نظام‌مند، به طبقه‌بندی و تشکیل جداول مفهومی اقدام شد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

#### ۳-۲. طبقه‌بندی مفهومی یافته‌های تحقیق

باتوجه به اینکه دهه حاضر به‌عنوان «دهه پیشرفت و عدالت» نام‌گذاری شده و این کلیدواژه نیز در متن الگوی پایه آمده است، به نظر می‌رسد بایستی مقولات رفاه اجتماعی یا رفاه عمومی، نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و به‌طورکلی

---

<sup>۱</sup>Triangulation

سیاست‌های رفاهی معطوف به تحقق عدالت اجتماعی در بخش‌های مختلف این الگو، نماد و نمود بارزی داشته باشد. پس از قانون اساسی که در بندهای ۹ و ۱۲ اصل سوم، بندهای ۳ و ۱۴ اصل ۲۱ و اصل ۲۹ و بندهای ۱ و ۱۲ اصل ۴۳ به حقوق متقابل مردم و حکومت در حیطه رفاه و تأمین اجتماعی پرداخته است و صرف‌نظر از قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (مصوب ۱۳۸۳) و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی (در شرف ابلاغ) را می‌توان آخرین سند بالادستی دانست که می‌تواند در کنار این الگو از نظر نوع نگاه به حوزه رفاه و تأمین اجتماعی مدنظر، قرار گیرد.

گزاره‌هایی از سند چشم‌انداز که مرتبط با قلمروی «تعاون و اشتغال و تأمین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی» است، عبارتند از: «جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: توسعه‌یافته؛ با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی؛ حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی. برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به‌دوراز فقر، فساد و تبعیض. فعال؛ برخوردار از روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۳، ص. ۱۲)».

همان‌طور که مشاهده می‌شود در غالب فرازهای اصلی، سند چشم‌انداز، به مقولات: عدالت اجتماعی، اشتغال و کارآفرینی، رفاه و تأمین اجتماعی، رفع فقر و تبعیض، توازن اجتماعی و عدالت توزیعی، تکافل اجتماعی آحاد جامعه و به‌ویژه گروه‌ها و اقشار هدف، حمایت و تقویت نهاد خانواده و توسعه خیر جمعی (تعاون و سازگاری اجتماعی) پرداخته است.

اگرچه در متن الگوی پایه که مفصل‌تر از سند چشم‌انداز است کمتر به مقولات رفاه و تأمین اجتماعی پرداخته شده بود؛ به‌طورمثال در بخش تدابیر ۵۶ گانه در بیش از ۶ تدبیر به حوزه سلامت پرداخته شده است (بندهای ۳۴ تا ۳۹) ولیکن به مقوله تأمین اجتماعی فقط در یک تدبیر که مربوط به مالیات است، اشاره‌ای گذرا شده بود؛ که عملاً تأمین اجتماعی را در سیاست‌های مالیاتی و بازتوزیعی دیده بود.

- «۲۱- تحقق عدالت مالیاتی و کاهش فاصله‌های جمع درآمد خالص خانوار از طریق ایجاد نظام یکپارچه مالیات‌ستانی، تأمین اجتماعی و ارائه تسهیلات مالی با بهره‌گیری از سامانه جامع اطلاعاتی ملی».

علی‌هذا خوشبختانه در ویرایش جدید (غیرمصوب) آن به مقوله تأمین اجتماعی به‌طور جامع پرداخته شده است و در بند ۲۳ آمده است:

- «۲۳- تقویت نظام موسسات و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی فراگیر و استفاده از ظرفیت نهادهای وقف، قرض‌الحسنه و صدقه به‌منظور دستیابی به حد کفاف در بهره‌مندی و توانمندسازی همگان به‌ویژه محرومان و نیازمندان با پاسداشت کرامت انسانی آنان».

همچنین در بخش مبانی الگو و ذیل سرفصل مبانی انسان‌شناختی آمده است:  
- «با توجه به مبادی پیش‌گفته، انسان دارای حقوقی از جمله حق حیات معقول، آگاهی، زیست معنوی و اخلاقی، دین‌داری، آزادی توأم با مسئولیت، تعیین سرنوشت و برخورداری از دادرسی عادلانه است. انسان موجودی اجتماعی است و تأمین بسیاری از نیازها و شکوفایی استعدادهای خود را در بستر تعامل و مشارکت جمعی جستجو می‌کند».

در بخش آرمان‌ها که به حیات طیبه و اهم ارزش‌های تشکیل‌دهنده آن اشاره شده است، نیز مقوله تأمین اجتماعی جا افتاده است:

- «اهم روش‌های تشکیل‌دهنده حیات طیبه عبارت‌اند از: معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هم‌نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقابله مقتدرانه با دشمنان، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، تفکر و عقلانیت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت همه‌جانبه، تعاون، مسئولیت‌پذیری، صداقت، نیل به کفاف، استقلال، امنیت و فراوانی».

در بخش افق متن پایه الگو که ادبیاتی شبیه سند چشم‌انداز دارد، به مقوله تکافل عمومی و تأمین اجتماعی اشاره شده است.

- «در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی مردم ایران دین‌دار، عموماً پیرو قرآن کریم،

سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و با سبک زندگی و خانواده اسلامی ایرانی و روحیه جهادی، قانونمدار، پاسدار ارزش‌ها، هویت ملی و میراث انقلاب اسلامی، تربیت‌یافته به تناسب استعداد و علاقه تا عالی‌ترین مراحل معنوی، علمی و مهارتی و شاغل در حرفه متناسب‌اند و از احساس امنیت، آرامش، آسایش، سلامت و امید زندگی در سطح برتر جهانی برخوردارند. تا سال ۱۴۴۴ ایران به پیهشتاز در تولید علوم انسانی اسلامی و فرهنگ متعالی در سطح بین‌المللی تبدیل شده و در میان پنج کشور پیشرفته جهان در تولید اندیشه، علم و فناوری جای گرفته و از اقتصادی دانش‌بنیان، خوداتکا و مبتنی بر عقلانیت و معنویت اسلامی برخوردار و دارای یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیا است. تا آن زمان، سلامت محیط‌زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم شده؛ کشف منابع، خلق مزیت‌ها و فرصت‌های جدید و وفور نعمت برای همگان با رعایت عدالت بین‌نسلی حاصل شده است. فقر، فساد و تبعیض در کشور ریشه‌کن گردیده و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر و دسترسی آسان همگانی به نظام قضایی عادلانه تأمین شده است.

لذا در یک جمع‌بندی بر اساس سه سند بالادستی بااهمیت می‌توان مطابق جدول زیر به طبقه‌بندی مفهومی یافته‌های تحقیق پرداخت:

جدول ۱. طبقه‌بندی مفهومی گزاره‌های مستخرج از اسناد بالادستی در قلمرو تعاون، اشتغال، تأمین اجتماعی

(بیمه‌های اجتماعی)

عنوان سند بالادستی	گزاره‌های مستخرج
قانون اساسی	حقوق متقابل مردم و حکومت در حیطه رفاه و تأمین اجتماعی (بندهای ۹ و ۱۲ اصل ۳، بندهای ۳ و ۴ اصل ۲۱ و اصل ۳۹ و بندهای ۱ و ۲ اصل ۴۳)
سند چشم‌انداز ۱۴۰۴	عدالت اجتماعی، اشتغال و کارآفرینی، رفاه و تأمین اجتماعی، رفع فقر و تبعیض، توازن اجتماعی و عدالت توزیعی، تکافل اجتماعی آحاد جامعه و به‌ویژه گروه‌ها و اقشار هدف، حمایت و تقویت نهاد خانواده، توسعه خیر جمعی (تعاون و سازگاری اجتماعی)
الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت	عدالت مالیاتی، استفاده از ظرفیت نهادهای وقف، قرض‌الحسنه و صدقه به‌منظور دستیابی به حد کفاف در بهره‌مندی و توانمندسازی همگان به‌ویژه محرومان و نیازمندان با پاسداشت کرامت انسانی آنان، حیات طیبه، رعایت عدالت بین‌نسلی، ریشه‌کنی فقر، فساد و تبعیض، تکافل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر و دسترسی آسان همگانی به نظام قضایی عادلانه

منبع: یافته‌های تحقیق



پرواضح است که مقوله تکافل اجتماعی (عمومی)، نظام چندلایه رفاه و تأمین اجتماعی و به‌ویژه بیمه‌های اجتماعی یکی از راهکارهای مؤثر برای نیل به عزت، سربلندی و سرافرازی ایران و ایرانیان است چراکه از یک‌سو ابزار مؤثری برای تحقق عدالت توزیعی و کاهش فاصله طبقاتی است و از سوی دیگر خدمات اجتماعی و حمایت از اقشار نیازمند را با حفظ عزت و کرامت انسانی به انجام می‌رساند (حیدری، ۱۳۹۹، ص. ۷۴).

نتیجه آنکه اگرچه مقوله تأمین اجتماعی به‌طور صریح و مجمل در متن پایه الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت نیامده است ولیکن این موضوع در جوف مباحث عدالت اجتماعی، کرامت انسانی، اقتصاد عدالت‌بنیان که در متن پایه الگو به آن پرداخته شده، مستتر است و خوشبختانه در ویراست جدید آن به‌خوبی ملحوظ نظر قرار گرفته است. مضافاً به اینکه شکل‌گیری نظام تأمین اجتماعی چندلایه یکی از الزامات و مقتضیات پیشرفت کشور و تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است. چراکه لشکریان پیشرفت که شامل آحاد مردم به‌طور اعم و مدیران و کارشناسان به‌طور اخص هستند برای مشارکت و همیاری و همراهی در فرایند پیشرفت کشور نیاز به برخورداری از یک نظام تأمین اجتماعی کارآمد و مؤثر دارند. سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی<sup>۲</sup> براساس تجارب موفق علمی و عملی دنیا سه شعار محوری دارند:

۱. پیشرفت (توسعه) بدون عدالت اجتماعی و عدالت اجتماعی بدون تأمین اجتماعی تحقق نمی‌یابد.

۲. انسان سالم، ماهر و دارای تأمین؛ محور پیشرفت (توسعه) است.

۳. تأمین اجتماعی، زیرساخت، ابزار و هدف پیشرفت (توسعه).

بدیهی است حرکت در مسیر پیشرفت نیازمند مداخلات اصلاحی و انجام جراحی‌های زیادی در نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، مالی و اداری کشور است و در صورتی می‌توان مردم به‌طور اعم و مدیران و کارشناسان به‌طور اخص را با این

تغییرات و تحولات همراه کرد که آنان از آینده خود اطمینان خاطر حاصل کرده و امید به آینده بهتر داشته باشند، امری که تنها از طریق ایجاد یک نظام تأمین اجتماعی چندلایه (متمرکز، فراگیر، جامع، مکفی، پویا و پایدار) میسر است تا بتواند از مردم در مقابل پریشانی‌های ناشی از تکانه‌های اقتصادی حمایت و صیانت کند.

### ۳-۳. تفسیر نظری ملاحظات مربوط به عامل انسانی از منظر تدابیر و بایسته‌های

#### اجرایی

اگرچه رویکرد جامع‌نگری و فراگیری ایجاب می‌کند که تمامی محورهای متأثر و تأثیر گذار بر پیشرفت ملحوظ نظر طراحان و متولیان طراحی و اجرای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت قرار گیرد ولیکن در این پژوهش هم به لحاظ اعتقاد و باور به محوریت و اولویت بحث توسعه منابع انسانی و هم به لحاظ ضیق فرصت و عدم امکان پرداختن به تبیین تفصیلی کلیه محورهای مزبور، نسبت به بسط مطالب در یکی از محورهای عمده و اساسی پیشرفت که همانا منابع انسانی است، پرداخته می‌شود.

یک آسیب‌شناسی کلی از روند تحقق برنامه‌های بلندمدت و حرکات توسعه‌ای و اصلاحی که لازمه پیشرفت است، نشان می‌دهد که توفیقات کامل یا نسبی، عدم تحقق، عدم پایایی و استمرار اثرات و دستاوردها، انحراف از برنامه‌ها و موازین مصوب و ابلاغی، جایگزینی وسیله و ابزار به جای هدف، معطوف بودن حرکات به منافع شخصی، گروهی و دستگاهی به جای اهداف پیشرفت و ... ناشی از نوع و نحوه نگاه و بضاعت نیروی انسانی مجری بوده است.

بی‌تردید انسان **سالم** (دارای سلامت جسمی و روحی)، **ماهر** (برخوردار از آموزش‌های مناسب از سطح ابتدایی تا عالی و آموزش‌های مهارتی و ضمن خدمت) و **دارای تأمین** (فاقد دغدغه معیشت، مسکن، بهداشت، درمان و ... برای خود و خانواده) محور پیشرفت کشور است. با انسان‌های **تحقیرشده** نمی‌توان کار توسعه‌ای انجام داد و هرگونه خلل و خدشه‌ای در سه مؤلفه فوق (**سلامت، دانش و مهارت و تأمین**) برای نیروی انسانی، نوعی حق و حقارت در پی دارد. از انسان تحقیرشده نمی‌توان انتظار کار درست در مسیر پیشرفت داشت و پرداختن به دغدغه‌هایی

غیر از دستیابی به سطح مطلوب یا حداقلی از سه مؤلفه فوق‌مزیور از چنین فردی بعید به نظر می‌رسد و اگر مواردی نیز وجود دارد استثنایی است بر قاعده. حال مزید بر علت اگر بر احساس محرومیت از حداقل‌ها، غلبه احساس تبعیض را نیز بیفزاییم، اثرات مخرب مضاعفی بر منابع انسانی و نوع نگاه و نحوه عمل وی حادث خواهد شد که پایه‌های باور، اعتقاد و التزام نیروی انسانی را به مفهوم پیشرفت نشانه می‌رود.

فلذا به نظر می‌رسد تأمین نیاز منابع انسانی در حوزه‌هایی نظیر بازنشستگی، مسکن، سالمندی، آینده خانواده و فرزندان، می‌تواند مانع از غلبه این دغدغه‌ها بر دغدغه‌های دینی و ملی شود و با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه (شاخص‌های اقتصادی همچون نرخ بیکاری و شاخص‌های اجتماعی همچون تغییرات جمعیت‌شناسی)، مقوله بیمه‌های اجتماعی (شامل مستمری بازنشستگان، مستمری از کارافتادگی، مستمری بازماندگان، بیمه بیکاری و بیمه درمان) برای تمامی جمعیت فعال اقتصادی کشور (اعم از مشاغل رسمی و غیررسمی) از اهمیت بالایی برخوردار است و احساس هرگونه خللی در نظام بازنشستگی می‌تواند اذهان منابع انسانی کشور به‌ویژه کارکنان شاغل را با تأثیر منفی و با دغدغه‌های فراوان مواجه سازد.

از این رو با توجه به اینکه غالب حرکات معطوف به پیشرفت (به‌طورمثال خصوصی‌سازی، کاهش تصدی دولت، واگذاری امور قابل‌واگذاری، انحلال و جابه‌جایی‌های تشکیلاتی در ساختار دستگاه‌ها و ...) نیازمند برهم زدن روندهای ناکارآمد قبلی و در انداختن طرح‌هایی نو است و عدم توجه به عامل انسانی می‌تواند اثرات نامطلوبی بر روند تحقق این برنامه‌ها بگذارد؛ تأثیرات زیادی بر قلمروی نظام‌های تأمین و رفاهی بدنه دستگاه‌ها داشته و دورنماها و چشم‌اندازهای ترسیم‌شده از آینده را در نزد فرد (شاغل) و خانواده وی غرق در تردید و ابهام می‌کند، لازم است در طراحی و اجرای هر حرکت اصلاحی، تضمین و تعهد به تداوم و استمرار این نظام‌ها و بهره‌مندی فرد و خانواده وی از آن، ملحوظ‌نظر و توجه متولیان حرکات اصلاحی قرار گیرد و این امر بدون وجود یک نظام فراگیر، متمرکز و چندلایه تأمین اجتماعی میسر نیست. نگاهی گذرا به نحوه انجام این‌گونه

اقدامات اصلاحی نشان می‌دهد، مابه‌ازای جبران آثار این‌گونه اقدامات (از جمله: بازخریدی، انتقال، بازنشستگی و...) در حوزه منابع انسانی و دغدغه نظام‌های تأمین و رفاهی در این خصوص به قدر کفایت و لزوم زیر نظر گرفته نشده است. فلذا بایستی به این نکته توجه داشت که متولیان حرکات اصلاحی نمی‌بایستی صرفاً به شرایط حاضر و اقدامات فعلی، عطف توجه کنند بلکه بایستی تأثیر و تأثرات و تغییرات ساختاری ناشی از حرکات اصلاحی را در کیفیت و میزان بهره‌مندی حال و آتیه نیروی انسانی از نظام‌های تأمین و رفاهی ملحوظ نظر قرار دهند.

توسعه منابع انسانی، محور پیشرفت کشور است از آن جهت که هم زیربنای پیشرفت، هدف پیشرفت و ابزار پیشرفت است و هم نوع نگاه، نحوه عمل و میزان تقید و پایبندی نیروی انسانی به پیشرفت و الزامات آن، مقوم و پایداربخش آن است. فلذا لازم است کلیه مؤلفه‌های مرتبط با منابع انسانی به صورت همزمان، هماهنگ و همسنگ مدنظر و توجه متولیان طراحی و اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قرار گیرد.

فلذا در مراحل طراحی، اجرا و نظارت بر فرایند نیل به پیشرفت، علاوه بر اینکه بایستی یک اراده مستحکم، یک متولی فرابخشی و فارغ از علایق و منافع (شخصی، دستگاهی، جنسی و قومی، صنفی و تخصصی) و دارای نگرش کلان، ملی و... وجود داشته باشد، می‌باید پاسخ لازم و کافی برای دغدغه‌های معیشت، رفاه و امنیت لشکریان پیشرفت و خانواده آن‌ها ارائه کرد و تضمین و تعهد مناسبی برای تأمین مستمر نیازها در این بخش فراهم ساخت.

برای نیل به پیشرفت و همچنین تحکیم و تعمیق اقدامات و حصول اطمینان از استمرار و تداوم نتایج و دستاوردهای حاصله از آن، لازم است راهکارهای برون‌رفت از چالش اینرسی و چسبندگی نیروی انسانی به یک دستگاه خاص، تمهید و فراهم شود و مفهومی به نام سیالیت نیروی انسانی تکوین یابد.

توجه به کلیه مؤلفه‌های مطرح در محور منابع انسانی اعم از نظام‌های استخدامی، جبران خدمت، انگیزشی و... برای نیل به پیشرفت لازم و ضروری

است ولیکن اصلاح نظام‌های تأمینی و رفاهی را شاید بتوان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم و تعیین‌کننده در این میان قلمداد کرد هم از آن‌جهت که امکان‌پذیری بیشتری برای آن متصور است (در نظام‌های بیمه‌های اجتماعی بحث شغل و شاغل و شرایط شغلی مطرح نیست و افراد از این مختصات و ویژگی‌های عارضی فارغ شده و براساس میزان مشارکت در صندوق‌های مربوطه از مزایای متعلقه برخوردار می‌شوند) و هم به لحاظ اینکه جایگاه خانواده و افراد تحت تکفل (که در حداقل شرایط و به‌ر تقدیر عضوی از اجتماع محسوب شده و تکافل اجتماعی آن‌ها با دولت است) در این نظام‌ها پررنگ‌تر است.

فلذا اگر بخواهیم از اینرسی و چسبندگی نیروی انسانی در فرایند پیشرفت بکاهیم، بایستی با ایجاد سیالیت اجتماعی از طریق اصلاح و ساماندهی نظام‌های تأمینی و رفاهی، مفاهیم سیالیت سازمانی و سیالیت نیروی انسانی را شکل و عینیت بخشیم.

تکوین نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، یکی از برکاتی که می‌تواند به‌دنبال داشته باشد، ساماندهی، انتظام‌بخشی و راهبری کلان و یکپارچه کلیه نظام‌های تأمینی و رفاهی در ساختار نظام اداری دولتی و عمومی است و چنانچه در این مهم توفیقی حاصل آید، شکل‌گیری مفهوم سیالیت سازمانی و سیالیت نیروی انسانی با تسهیل و تسریع بیشتری همراه خواهد شد. اگر مدیران (در هر سطحی) و کارکنان بدانند که در هر سازمان، مؤسسه و دستگاه که فعالیت کنند، آتیه خود و افراد تحت تکفل آن‌ها (صرف‌نظر از اینکه در کدام دستگاہی فعالیت کرده یا خواهند کرد) براساس میزان مشارکت در صندوق‌ها و همراه با مکانیسم عدالت اجتماعی (توازن و تکافل اجتماعی) خواهد بود، قابلیت بیشتری برای پذیرش تغییرات و تحولات سازمانی ناشی از حرکات اصلاحی و طرح‌های توسعه منابع انسانی و برنامه توسعه نظام اداری خواهند یافت و از مقاومت آن‌ها در برابر تغییر کاسته خواهد شد.

پاشنه آشیل حرکات اصلاحی و به‌طور کلی توسعه منابع انسانی و توسعه نظام اداری، چالش و دغدغه معیشت، تأمین اجتماعی و امور رفاهی نیروی انسانی

بخش دولتی و عمومی است و چنانچه بتوان با ایجاد نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی سطح حداقل‌ها را برای همگان تضمین و تعهد کرد و در بعد نظام‌های تأمین (بیمه‌های اجتماعی و...) سامان و استاندارد متناسبی را فراهم ساخت و سطح مزاد امور رفاهی آن را نیز نظام‌بخشی و استانداردسازی (نه یکسان‌سازی) کرد و از این طریق پاسخ درخور و متناسبی به دغدغه معیشت، تأمین اجتماعی و امور رفاهی نیروی انسانی فعال در نظام اداری دولتی و عمومی داد، می‌توان به تحقق توسعه منابع انسانی و توسعه نظام اداری و پویایی و پایایی آن، امیدوار بود.

### ۳-۴. تجزیه و تحلیل تدابیر و بایسته‌های اجرایی مربوط به عامل انسانی

در یک تجزیه و تحلیل از مباحث مزبور می‌توان گفت انسان سالم، ماهر و دارای تأمین، محور پیشرفت کشور بوده و با انسان‌هایی که احساس محرومیت و تبعیض می‌کنند، نمی‌توان کار توسعه‌ای انجام داد. با توجه به وضعیت اقتصادی حاکم بر جامعه و مسائل جمعیتی و نرخ بیکاری بالا، مقوله بیمه‌های اجتماعی (شامل بازنشستگی، ازکارافتادگی، بازماندگان، بیکاری و درمان) برای نیروهای شاغل دستگاه‌ها از اهمیت بالاتری برخوردار است. متأسفانه انجام برخی حرکات اصلاحی مانند خصوصی‌سازی، کاهش تصدی دولت، واگذاری امور قابل واگذاری، ادغام، انحلال و جابه‌جایی‌های تشکیلاتی در ساختار دستگاه‌ها بدون توجه به عامل انسانی، اثرات نامطلوبی بر قلمروی نظام‌های تأمین و رفاهی بدنه داشته و خواهد داشت. این امر اقتضا می‌کند در مراحل طراحی، اجرا و نظارت بر فرایند نیل به پیشرفت، ضمن یک اراده مستحکم به تحقق یک نظام فراگیر، متمرکز و چندلایه تأمین اجتماعی، اولاً یک متولی فرابخشی و فارغ از علایق و منافع (شخصی، دستگاهی، جنسی و قومی، صنفی، تخصصی) و دارای نگرش کلان و ملی به‌عنوان ناظر یا تنظیم‌گر نیز وجود داشته باشد تا بتوان علاوه بر سیالیت اجتماعی به سیالیت سازمانی و نیروی انسانی نیز عینیت بخشید چراکه پاشنه‌آشیل حرکات اصلاحی و به‌طور کلی توسعه منابع انسانی و توسعه نظام اداری، چالش و دغدغه معیشت، تأمین اجتماعی و امور رفاهی نیروی انسانی بخش دولتی و عمومی است. ثانیاً باید قادر باشیم یک مجموعه (مدیران و کارکنان در تمامی سطوح، مناطق، دستگاه‌ها و

(... دارای استنباط واحد و مشترک از امر پیشرفت و منافع ملی به‌عنوان لشکریان خاص پیشرفت را تحت راهبری یک گروه منسجم و مقتدر فرابخشی فارغ از نگرش‌ها، سلايق و تمایلات بخشی، قومی، جنسی، تخصصی، دستگاهی و ...، تجهیز و تدارک بینیم و مفهومی شکل دهیم که می‌تواند محرک و مقوم توسعه پایدار کشور باشد. شاید بتوان این مفهوم را **هماوندی دینی - ملی** نامید.

- هماوندی به تعبیر آنکه مجموعه حاکمیت و کل نظام اداری مترتب بر آن شامل ظروف جداگانه ولی مرتبط است که سرنوشت مشترکی دارند و بروز هرگونه خلل و منفذی در هریک، درنهایت سایرین را نیز به‌نوعی متأثر می‌سازد (تعارضات بین قوا، دستگاه‌ها و سازمان‌ها در حکم خودزنی است) و ورود هرگونه کدورت، رنگ و بوی خاص به یکی از آن‌ها، مظروف سایر ظروف را نیز به شکل خود درمی‌آورد.

- هماوندی به تعبیر آنکه مجموعه حاکمیت و کل نظام اداری مترتب بر آن، بیان ظروف مرتبطی است که سطح بالاتر و پایین‌تر (مثلاً پیشرفت، توسعه‌یافتگی و...) را در هیچ‌کدام از ظرف‌ها برنمی‌تابند و آن را تعدیل می‌کنند و به شکل جمع درمی‌آورند.

- هماوندی به تعبیر آنکه حجت، برهان و فلسفه وجودی مجموعه حاکمیت و کل نظام اداری مترتب بر آن، یکی است و همگی از یک آبشخور و مشرب سیراب می‌شوند و پیشرفت (توسعه) را بایستی از مَصَب و سرمنشأ آغاز کرد و هرگونه حرکت اصلاحی در سرشاخه‌ها اثربخش نیست.

- هماوندی به تعبیر آنکه اینرسی و چسبندگی دستگاهی، سازمانی و نیروی انسانی معنا ندارد و بایستی از بین برود و اگر در فرایند پیشرفت (توسعه) نیاز شد که یکی از اجزای نظام اداری (وزارتخانه، سازمان، دستگاه و ...) یا یکی از احاد موجود در یک ظرف (ظرفیت ساختاری) به ظرف دیگری منتقل (ادغام، منحل و ...) شود. بایستی فارغ از تعصبات بخشی، صنفی، تخصصی و ...، شکل ظرف جدید را بگیرد و مفهوم سیالیت سازمانی و نیروی انسانی شکل بگیرد.

**«چون آب به گونه هر آوند شوی»**

#### ۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتیجه آنکه نه تنها تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بلکه هر برنامه کلان و سیاست کلی نیازمند توجه به **بایسته‌های انسانی** آن است و به هر تقدیر بایستی در پی‌ریزی فرایندهای طراحی، تدوین، اجرا و نظارت آن، به نقش و کارکرد **انسان** به‌عنوان محور و مدار رشد، توسعه، پیشرفت و تعالی کشور توجه شود. انسان‌ها به‌عنوان **لشکریان پیشرفت** نقش بسزایی در مسیر حرکتی حاکمیت، دولت و جامعه به سمت پیشرفت ایفا می‌کنند و نحوه تعامل، همراهی و همکاری آن‌ها در فرایند تحقق الگوی پیشرفت بسیار مهم و تأثیرگذار است. لشکریان پیشرفت، هم شامل مردم و هم شامل مدیران و کارشناسان (متولیان و ذی‌مدخلان) هستند و لازم است با شکل‌دهی نظام رفاه و تأمین اجتماعی چندلایه ترتیباتی اتخاذ کرد تا از همراهی و همگامی لشکریان پیشرفت در طی صحیح مسیر تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، اطمینان حاصل کرد.

در تقسیم‌کار کلی حاکمیت‌ها و دولت‌ها در سطح کلان، رویکردها و نظریات مختلفی وجود دارد و اشتراکات و افتراقات زیادی بین نحله‌های فکری و ایدئولوژیکی مختلف در باب نوع و میزان اقدامات و مداخلات دولت در هر یک از این عرصه‌ها قابل احصا است ولیکن در غالب رویکردهای مطرح برای تقسیم‌کار کلان حاکمیت‌ها و دولت‌ها، قلمروهای اقتصاد، امنیت و رفاه اجتماعی به‌طور مشترک مطرح است و درخصوص قلمروهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی، علم و فناوری و... اختلاف نظر هست.

در قلمروی رفاه اجتماعی، بخش‌های سلامت (بهداشت و درمان)، آموزش (پیش از دبستان تا عالی و مهارت‌آموزی و فنی و حرفه‌ای)، اشتغال، مسکن و تأمین اجتماعی مطرح هستند و بخش تأمین اجتماعی شامل: لایه‌های امدادی (امداد حوادث و امداد اجتماعی)، حمایتی (توان‌بخشی و توانمندسازی) و بیمه‌ای (درمان، بازنشستگی، بیکاری و...) است.

سیاست‌گذاری اجتماعی و نظام رفاهی یکی از مقولات مهم و تأثیرگذار در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی و دولتی است و رابطه محیط و محاط با آن دارد.



به عبارت دیگر اگر خط‌مشی‌های دولتی (حاکمیتی) را شامل چهار دسته انضباطی (بازدارنده)، توزیعی، بازتوزیعی (توزیع مجدد) و عمومی (قانونی، سیاسی و...) بدانیم، مقوله تأمین اجتماعی دارای تأثیر و تأثراتی در قبال هر چهار حوزه به‌ویژه در دو حوزه توزیعی و بازتوزیعی است و عدم توجه به این مهم در حوزه تأمین اجتماعی باعث بروز نابرابری‌های پیشینی و پسینی می‌شود و در نهایت منجر به بروز فقر و آسیب اجتماعی می‌شود. طی نیم‌قرن اخیر در زمینه‌های ایجاد ساختار و (ایجاد وزارتخانه، سازمان، بنیاد، نهاد و...)، انشای قوانین و مقررات، تخصیص منابع عمومی و دولتی و... برای قلمروی تأمین اجتماعی، اقدامات متواتر و پربسامدی انجام پذیرفته است ولیکن این اقدامات و فعالیت‌ها به هر تقدیر از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار نبوده است و کشور تا نیل به عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی و حتی رفاه عمومی (تأمین و تضمین حداقل نیازهای اساسی) فاصله زیادی دارد و هنوز چهره‌های فاحش فقر، محرومیت و آسیب اجتماعی در پایتخت و کلان‌شهرها نیز مشاهده می‌شود تا چه رسد به مناطق محروم و دور از مرکز و اگر بخواهیم اختصاراً به برخی از علل و عوامل بروز این نقیصه اشاره کنیم و سیاهه‌ای از مسائل و مشکلات مبتلابه نظام رفاهی ایران و راهکارهای سیاستی برای برون‌رفت از این چالش‌ها که می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری نظام نوین رفاه و تأمین اجتماعی شود، ارائه کنیم، عبارتند از:

۱. **عدم فراگیری پوشش‌ها و خدمات:** کامل نبودن ضریب نفوذ پوشش‌ها و خدمات، محرومیت از پوشش‌ها و خدمات، وجود موانع برقراری پوشش‌ها، فقدان محرک‌ها و مشوق‌ها برای اخذ پوشش‌ها، عدم اجبار و الزام به مشارکت که راهکار برون‌رفت از این مسئله لزوم تعمیم کامل پوشش پایه و تأمین و تضمین حد کفاف (حداقل نیازهای اساسی) برای همگان، رفع موانع اخذ پوشش بیمه‌ای، ایجاد مشوق و محرک یا اجبار و شبه‌اجبار برای اخذ پوشش بیمه‌ای و اعطای یارانه بیمه‌ای است.

۲. **عدم جامعیت پوشش یا خدمات:** عدم ارائه پوشش‌ها و خدمات موردنیاز ذی‌نفعان، عدم ارائه کف حمایت‌ها و حداقل پوشش‌ها، تمرکز بر روش‌های نقدی

و عدم توجه به فقر چندبعدی که راهکار برونرفت از این مسئله تعمیم پوشش بیمه بیکاری به همه شاغلین و جویندگان کار، برقراری پوشش کامل مستمری سالمندان برای افراد فاقد پوشش، توجه به فقر چندبعدی، توجه به فقر زیرساختی (مسکن، بهداشت، آموزش و...) است.

**۳. عدم کفایت پوشش‌ها و خدمات:** عدم تناسب خدمات و پوشش‌های ارائه شده با نیاز افراد هم از نظر نوع و هم از نظر میزان و کیفیت خدمات، عدم توجه کافی به مصون‌سازی، پیشگیری، توان‌بخشی و توانمندسازی و بازاجتماعی شدن، نسلی و چرخه‌ای شدن فقر و آسیب اجتماعی که راهکار برونرفت از این مسئله نیاز سنجی و اولویت‌بندی صحیح براساس آزمون و سع، غربالگری و هدف‌یابی مؤثر، مصون‌سازی و پیشگیری، توان‌بخشی، توانمندسازی و بازاجتماعی شدن افراد فقیر و آسیب‌دیده است.

**۴. عدم پایداری مالی طرح‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای:** عدم تأمین و تضمین بار مالی تعهدی و بین‌نسلی، عدم رعایت تعادل منابع و مصارف، عدم رعایت اصول، قواعد و محاسبات بیمه‌ای، توزیع نابرابر اعتبارات و اولویت‌یابی ناصحیح که راهکار برونرفت از این مسئله، تمرکز هدفمندسازی واقعی یارانه‌های اجتماعی، وضع مالیات اجتماعی، ایجاد زمینه مشارکت ذی‌نفعان در تأمین مالی به تناسب توان مالی، رعایت اصول و قواعد بیمه‌ای و توزیع عادلانه منابع است.

**۵. محرومیت و نابرابری‌های پیشینی:** عدم تقدم مصون‌سازی و پیشگیری بر درمان، عدم توجه به سرچشمه‌های ایجاد فقر و آسیب، عدم ملازمت و مقارنت پیشرفت و عدالت، عدم اولویت‌بخشی به مصون‌سازی و پیشگیری و تمرکز بر درمان، فقر زیرساختی که راهکار برونرفت از این مسئله اقتصاد عدالت‌بنیان، اولویت‌دادن به مصون‌سازی و پیشگیری، برابرسازی فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، ایجاد زمینه مهاجرت معکوس یا روند معکوس توزیع امکانات به مناطق و افراد کم‌برخوردار است.

**۶. محرومیت و نابرابری‌های پسینی:** عدم توجه به توان‌بخشی و توانمندسازی و بازاجتماعی شدن، عدم ایجاد فرصت‌های برابر اقتصادی و اجتماعی، عدم ترمیم

امکانات و ظرفیت‌ها، محرومیت مضاعف مناطق و افراد محروم از امکانات و ظرفیت‌ها که راهکار برون‌رفت از این مسئله حمایت از اقشار ضعیف، کمک به اقشار ضعیف برای رسیدن به فرصت‌های برابر، ترمیم و جبران خسارات محرومیت‌ها و عقب‌ماندگی‌هاست.

۷. **عدم دسترسی عادلانه به پوشش‌ها و خدمات:** عدم توجه به توازن منطقه‌ای و آمایش سرزمین در توزیع امکانات و ظرفیت‌ها، محرومیت مضاعف مناطق و افراد محروم از امکانات و ظرفیت‌ها که راهکار برون‌رفت از این مسئله ایجاد پوشش فراگیر، اولویت‌بخشی به مناطق کم‌برخوردار (محروم مرزی)، استخراج نقشه و اطلس فقر و آسیب و رصد پویایی‌های فقر و آسیب اجتماعی است.

۸. **عدم بهره‌مندی عادلانه از منابع عمومی:** بهره‌مندی نامتعادل و نامتوازن از منابع عمومی، جذب بیشتر منابع و اعتبارات توسط دستگاه‌ها و افراد برخوردار، سرانه نابرابر از بودجه رفاهی، اولویت‌بندی ناصحیح که راهکار برون‌رفت از این مسئله ایجاد سرانه متناسب در بهره‌مندی از منابع عمومی، تمرکز یارانه‌های اجتماعی بر رفع فقر و آسیب، اعمال رویکرد ذی‌نفع‌محور به جای دستگاه‌محور در توزیع منابع است.

۹. **ساختارهای متعدد و پراکنده:** رویکردهای بخشی و دستگاهی، سازمان‌ها و صندوق‌ها و مؤسسات متعدد با رویکرد بخشی، عدم رعایت صرفه در مقیاس، ساختارهای موازی، فعالیت‌های مضاعف که راهکار برون‌رفت از این مسئله تقسیم کار نوین و حیطة‌بندی فعالیت دستگاه‌ها، تجمیع، ادغام و انحلال دستگاه‌های موازی و غیرضروری، تنظیم‌گری به‌جای تمرکز ساختاری است.

۱۰. **سازوکارهای متنوع و متکثر:** فقدان وحدت رویه، عدم تفکیک نظام بازنشستگی از بیمه بازنشستگی، عدم تفکیک نظام سلامت از نظام بیمه سلامت که راهکار برون‌رفت از این مسئله ایجاد وحدت رویه و استانداردسازی فعالیت‌ها، تفکیک نظام‌های تولید، تأمین مالی و ارائه خدمت از یکدیگر، قاعده‌گذاری و ریل‌گذاری خدمات با رویکرد پلتفرمی است.

۱۱. فقدان سیاست رفاهی متعین: ریل گذاری، فصل الخطاب برای همه اجزای حاکمیت دولت، تعیین حقوق و تکالیف متقابل دولت و مردم، ایجاد اتفاق نظری و اجماع عملی، تفویض و تنفیذ اختیارات که راهکار برون رفت از این مسئله ابلاغ سیاست های کلی تأمین اجتماعی، تعیین سیاست رفاهی و ریل گذاری مسیر حرکتی تمام قوا، تعیین عالی ترین رکن تصمیم گیری است.

۱۲. فقدان نهاد قاعده گذار و تنظیم گر: عدم تعیین ارکان تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرایی و نظارتی، تنظیم گری قوانین و مقررات، وحدت رویه و استاندارد سازی، نظارت، گزارش گیری و گزارش دهی، رصد و پایش که راهکار برون رفت از این مسئله تعیین محوریت و تولید برای ایجاد تناسب اختیار و مسئولیت، ایجاد ضمانت اجرایی برای تصمیمات، ایجاد تمرکز در راهبری کلان، تعیین بسته خدمت و جامعه هدف است.

۱۳. عدم ابتناء به اطلاعات ثبتي و عملیاتی: همپوشانی و برخورداری مضاعف و به ناحق، خلأ پوشش و عدم سترسی، اتکا به آمارهای سر شماری، روندی و دستگامی برای تخصیص منابع، تعارضات بخشی و دستگامی، عدم تمرکز اطلاعات که راهکار برون رفت از این مسئله ایجاد پایگاه ملی ایرانیان از طریق تبادل اطلاعات مربوط به کلیه دریافت ها و پرداخت های رفاهی، ایجاد سامانه، پایگاه اطلاعات و پنجره واحد خدمات تأمین اجتماعی و رویکرد پلتفرم دیجیتال است.

۱۴. عدم انجام آزمون وسع بر اساس لایه بندی و سطح بندی خدمات: عدم لایه بندی و تفکیک و تمایز حوزه های امدادی، حمایتی و بیمه ای، عدم سطح بندی خدمات و پوشش ها (پایه، مازاد و مکمل)، عدم انجام آزمون وسع برای تعیین استطاعت و استحقاق که راهکار برون رفت از این مسئله لایه بندی (امدادی، حمایتی و بیمه ای) و سطح بندی لایه بیمه ای (پایه مازاد و مکمل) خدمات و پوشش ها، تشکیل پرونده الکترونیک مبتنی بر کد ملی، کدپستی و کدشغلی و آزمون وسع (استطاعت و استحقاق) است (حیدری، ۱۳۹۹، ص. ۲۹۲-۲۳۰).

عدالت به طور عام و عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی به طور خاص از جمله

معیارهای ارزیابی حکومت‌ها، ادیان، جوامع و کشورهاست و این معیار حتی ملاک سنجش مقبولیت و چه بسا مشروعیت حکومت‌ها قلمداد می‌شود. در مورد تعریف عدالت شاید بتوان دو عبارت معروف «اعطاء کل ذی حق حقه» و «وضع الشيء فی موضعه» را تعریف جامع و مانع مفهوم عدالت دانست (عیوضلو، ۱۳۹۰).

در جوامع کوچک و از دیرباز حاکمان برای تحقق عدالت، رأساً و مستقیماً مبادرت به اعمال عدالت می‌کردند و امور مربوط به نظارت بر رعایت عدالت، قضاوت بین شاکی و متشاکی و صدور حکم را خود به انجام می‌رساندند ولیکن با بزرگ شدن جوامع بشری و شکل‌گیری شهرها، مبادرت به تقسیم‌کارها و مناصب شد و افرادی برای اعمال نظارت بر فعالیت‌های مردم و جلوگیری از ظلم و تعدی آن‌ها بر یکدیگر به کار گمارده شدند.

به همین سبب است که در دیرباز امور حسبت به معنای مراقبت بر رعایت مصالح عامه با امر به معروف و نهی از منکر جزو وظایف حاکم اسلامی مطرح بوده و از طریق این سازوکار حکومتی امر به معروف در سه حوزه حق الله، حق الناس و مشترکات بین این دو پی‌جویی می‌شده است (ابن‌اخوه، ۱۳۹۵، ص. ۱۴).

پس از رنسانس و انقلاب صنعتی به‌خاطر بروز شورش‌های کارگران ناشی از جایگزینی ماشین‌آلات و نیز به‌سبب بروز گرایش‌های چپ‌گرایانه و جلوگیری از توسعه کمونیست، نظام سرمایه‌داری مقوله تأمین اجتماعی را سامان داد و بعدها و با توسعه وظایف دولت‌ها و حکومت‌ها و شکل‌گیری دولت‌های رفاه، شکل‌دهی نظام تأمین اجتماعی فراگیر و تضمین و تأمین سطح حداقلی آن برای آحاد جامعه جزو وظایف ذاتی و تکالیف مأموریتی دولت‌ها قرار گرفته و یکی از معیارهای توسعه و پیشرفت جوامع تلقی می‌شود. همان‌طور که در آرای نظریه‌پردازان اسلامی نیز، تعاون و آبادانی جزو شاخصه‌های مدینه فاضله بوده است. به قول فارابی «آن مدینه که مقصود حقیقی از اجتماع در آن، تعاون بر امور است که موجب حصول و وصول به سعادت آدمی است، مدینه فاضله بود (خوشرو، ۱۳۷۴، ص. ۴۷)» و عدالت به‌ویژه در وجه اجتماعی آن حتی ملاک بیعت بوده «من تا عدالت کسی را آزمایش نکرده باشم با او بیعت نمی‌کنم» (جدعان، ۱۳۹۸، ص. ۶۶).

نتیجه آنکه نوع نگاه به مقوله تأمین اجتماعی فراگیر و چندلایه هم از منظر هدف‌گذاری الگوی پیشرفت و هم از منظر تدابیری که برای تحقق الگوی پیشرفت باید اندیشیده شود و هم از منظر یکی از بایسته‌های اجرایی مهم و اثرگذار در مسیر تحقق الگوی پیشرفت دارای اهمیت بسزایی است و برای تحقق این مهم، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

- شکل‌دهی نظام چندلایه، متمرکز و فراگیر تأمین اجتماعی مشتمل بر لایه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و سطح‌بندی لایه بیمه‌ای در سطوح پایه، مازاد و مکمل.

- اعمال رویکرد اجتماع‌محور و توانمندساز در ارائه خدمات امدادی و حمایتی و هدایت افراد به سمت لایه بیمه‌ای با خوداتکایی آنان.

- ایجاد سامانه، پایگاه اطلاعات و پنجره واحد خدمات رفاه و تأمین اجتماعی مبتنی بر آزمون وسع (سنجش استطاعت و استحقاق) برای هدف‌یابی مؤثر و ایجاد عدالت در دسترسی به خدمات و بهره‌مندی عادلانه از منابع.

- الزام به تهیه پیوست تأمین اجتماعی برای کلیه طرح‌ها و برنامه‌های کلان اقتصادی، صنعتی و ... کشور.

- مقابله با سرچشمه‌ها و آبشخورهای تولید فقر و آسیب اجتماعی با تحقق اقتصاد عدالت‌بنیان و جلوگیری از بروز نابرابری‌های پیشینی و پسینی ناموجه.

- جلوگیری از چرخه‌ای و نسلی شدن فقر و آسیب با اعمال رویکرد بازا اجتماعی شدن مبتلایان فقر و آسیب و ایجاد زمینه بازگشت آنان به محیط خانواده، کار و جامعه.

- توجه ویژه به نیازهای لشکریان پیشرفت کشور یعنی کارمندان، کارگران و کارپذیران (صاحبان کسب و کارها، آزادکاران و ...) برای جلب مشارکت و همراهی آنان در فرایند گذار به پیشرفت.

## منابع و مأخذ

بیانات معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار با جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی در مورخه (۱۳۷۶/۴/۲۵) قابل دسترسی در سایت [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)

ابن اخوه. (۱۳۹۵). آیین شهرداری (معالم القربه فی احکام الحسبه). (ج. شعاره، مترجم) تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

اخوان بهبهانی، علی. (۱۳۹۶). اصول و مبانی بیمه‌های اجتماعی. تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

جدعان، فهمی. (۱۳۹۸). المحنه. (م. عسگری، مترجم) تهران: شرکت سهامی انتشار.  
حاجی حسینی، حسن. (۱۳۸۱). عدالت اجتماعی از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) و سه تن از اندیشمندان اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی عماد افروغ: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

حیدری، علی. (۱۴۰۰). نظام برنامه‌ریزی ملی مبتنی بر دانش و ارزش از طریق جمع‌سپاری شبکه‌ای. اولین همایش ترسیم چشم‌انداز ۱۴۵۰ جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیته چشم‌انداز. قابل دسترسی در: <https://conference.iri1450.ir> (در حال انتشار)

حیدری، علی. (۱۳۹۹). تعلیقات تأمین اجتماعی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.  
حیدری، علی؛ & منوچهری‌راد، رضا. (۱۳۹۶). امکان‌سنجی بهره‌گیری از انفال برای حوزه رفاه و تأمین اجتماعی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

خوش‌چهره، محمد؛ & حبیبی، نیک‌بخش. (۱۳۹۱). اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام ج.ا.ایران. فصلنامه علمی راهبرد، ۲۱(۱)، ۲۱۹-۲۴۴.

خوش‌سرو، غلامعلی. (۱۳۷۴). شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن‌خلدون. تهران: انتشارات اطلاعات.

دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون چشم‌انداز و امور نخبگان. (۱۳۹۳). شاخص‌های پیش و ارزیابی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران. تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.

ربیعی، علی؛ & حیدری، علی. (۱۳۹۶). نظام نوین رفاه و تأمین اجتماعی (از ایده تا عمل). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

صادقی فسایی، سهیلا؛ & عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۴). مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی. راهبرد فرهنگ (۲۹)، ۶۱-۹۱.

عیوضلو، حسین. (۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰). مفاهیم و معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در چهارچوب الگوی اسلامی\_ ایرانی پیشرفت. پایگاه اینترنتی رسمی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/print-content?id=25360>

فلیک، او.ه. (۱۳۹۲). درآمدی بر تحقیق کیفی. (ه. جلیلی، مترجم) تهران: نی.

قاضی پور، توحید. (۱۳۹۶). الگوی راهبردی مدیریت نظام تأمین اجتماعی در پرتو گفتمان ولایت فقیه. تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.



## References

- Akhavan Behbahani, A. (2017). *Principles and foundations of social insurance*. Tehran: Social Security Research Institute. [In Persian]
- Ayuzlu, H. (May 17, 2011). Concepts and criteria of social and economic justice in the framework of the Iranian Islamic model of progress. *Official Website of the Supreme Leader*. available at: <https://farsi.khamenei.ir/print-content?id=۷۵۳۶۰>. [In Persian]
- Ebne\_Ekhvah. (2016). *Municipal ritual (Ma'alim al-Qarbah fi Ahkam al-Hasbah)*. (trans. J.Shoar). Tehran: Elmi-Farhangi Publication. [In Persian]
- Flick, U. (2013). *An introduction to qualitative research*. (trans. H. Jalili). Tehran: Ney Publication. [In Persian]
- Ghazipour, T. (2017). *Strategic model of managing the social security system in the light of the discourse of Velayat-e-Faqih*. Tehran: University Publications and Higher Research Institute of National Defense and Strategic Research
- Haji Hosseini, H. (2002). *Social justice from the perspective of Amir al-Momenin (AS) and three social thinkers*. Master Thesis. With the guidance of Emad Afrough. Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Heydari, A. (2021). Knowledge and Value-Based National Planning system based on network crowdsourcing. The first conference to draw the vision of 1450 Islamic Republic of Iran. Tehran: Secretariat of the Expediency Council, Vision Committee. Available at: <https://conference.iri1450.ir/Under Published> [In Persian]
- Heydari, A. (2020). *Social Security Comments*. Tehran: Elmi-Farhangi Publication. [In Persian]

- Heydari, A., Manouchehri Rad, R. (2017). Feasibility study of using Anfal for welfare and social security. Tehran: Elmi-Farhangi Publication. [In Persian]
- Jadaan, F. (2019). *Almihnah*. (trans. M. Askari). Tehran: Enteshar Corporation. [In Persian]
- Khoshchehre, M., Habibi, N. (2012). Basic Principles and Key Elements of Islamic-Iranian Progress Model from Viewpoint of Large-Scale Instruments of the Islamic Republic of Iran. *Strategy*, 21(1), 219-244. [In Persian]
- Khoshrou, G.A. (1995). Knowing the types of communities of Farabi and Ibn Khaldun Perspectives. Tehran: Ettelaat Publications. [In Persian]
- Rabiee, A., Heydari, A. (2017). *The new system of welfare and social security (from idea to action)*. Tehran: Elmi-Farhangi Publication. [In Persian]
- Sadeqi Fasai, S., Erfanmanesh, I. (2015). Methodological Principles of Documentary Research in Social Sciences; Case of Study: Impacts of Modernization on Iranian Family. *Strategy for Culture*. 8(29), 61-91. [In Persian]
- Secretariat of the Expediency Council, Vision and Elite Affairs Commission. (2014). *Indicators for monitoring and evaluation of the vision document 1404 of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Technical and Vocational Education Organization. [In Persian]
- Statement by Supreme Leader Imam Khamenei in a meeting with a group of police commanders (July 16, 1997). available at: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir). [In Persian]